

### متن پرسش

باسلام خدمت معلم عالیقدر و عزیزم بنده جوانی با گرایش های مذهبی هستم از خدا و ائمه همیشه همسری مذهبی و با ایمان میخواستم تا اینکه چند ماه پیش با این رویکرد که مورد عنایت خدا وامام هشتم ع واقع شده ام با دختری از خانواده سادات ازدواج کردم تحقیقات لازم را هم انجام دادم و در جلسه خاستگاری هم تمام آنچه را لازم میدانستم گفتم ایشان هم با تمام گفته های من موافق بود اما حالا به این نتیجه رسیده ام که ایشان از نظر اعتقادی تا حدودی از بنده پایین تر است البته اهل نماز و واجبات هست اما آنگونه که من همیشه فکر میکردم و از خدا میخواستم نیستند . بنده فکر می کنم در مرحله خاستگاری آنچه تکلیفم بوده انجام داده و حالا مشکلم با ایشان نیست بلکه با خودم مشکل پیدا کردم چون همیشه از خدا خواسته بودم تا همسری همراه قسمت کند و آنچه میخواستم نشد از نظر اعتقادی دچار تزلزل شده ام و گاهی ناشکری می کنم و دیگر از دست خودم خسته شدم و ایمانم از دست رفته است و اعتقاد قلبیم به حکمت خداوند از بین رفته است احساس میکنم اگر با این حال بمیرم کافر میمیرم و از شما میخواهم به عنوان یک معلم راهنماییم کنید که چگونه از دست این وساوس و درگیری های فکری راحت شوم و بفرمایید چگونه رفتار کنم که ایشان با بنده همراه شود خواهش میکنم خیلی زود پاسخ را بدهید تا از این وضع راحت شوم و برایم دعا کنید!!! خداوند شمارا حفظ بفرماید.

### متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیک السلام: خداوند به لطف خودش همانی را که میخواستید در همسرتان قرار داده ولی شما تشخیص نمی دهید. او باید مادر فرزندان شما باشد و در این رابطه باید روحیهی خاصی داشته باشد که از نظر شما آن روحیه سادگی به حساب می آید ولی اگر ایشان مثل شما بود زندگی تان خشک و بی طراوت می شد. به همسرتان سخت گیری نکنید، بگذارید به صورت طبیعی و فطری رشد کند. انتظارات و توصیه های شما باید متناسب با روحیهی خودش باشد و نه متناسب با روحیهی خودتان. موفق باشید